



شهراد افشانی
نویسنده و روزنامه‌نگار
shahrad42@yahoo.com

پیامدهای کناره‌گیری لاریجانی از شورای عالی امنیت ملی

علی لاریجانی دبیر مستعفی شورای عالی امنیت ملی است که در آستانه مذاکرات حساس هسته‌ای با سولانا ترجیح داد از صحنه کنار رود.

وی که پس از شکل‌گیری دولت نهم به این سمت منصوب شد، تفاوت‌های فکری و سلیقه‌ای فراوانی با دولتمردان کنونی دارد، به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری به دلیل این که رقیب جدی احمدی‌نژاد به شمار می‌رفت، کمتر کسی باور می‌کرد که او پست حساس دبیر شورای عالی امنیت ملی را تحویل بگیرد. اما در هر حال لاریجانی اگرچه تحصیلات آکادمیک سیاسی ندارد، اما به دلیل ضریب هوشی مناسب همواره و در هر سمتی توانسته جایگاه لازم را کسب کند و بتواند به عنوان یک چهره خبرساز در جامعه مطرح شود. با این توصیف و در شرایطی که چند روز دیگر به مذاکرات حساس وی با سولانا باقی مانده بود، تیتروهای نخست صفحات اول روزنامه‌های کشور روز یکشنبه ۸۶/۷/۲۹ به استعفای وی اختصاص یافت تا بار دیگر او خبرساز شود! لاریجانی با استعفای ناگهانی و غیرمنتظره خود که به گفته منتقدان در اعتراض به سیاست‌های موجود گرفته شد، مسیر پرونده هسته‌ای را در جاده پرتلاطم جامعه بین‌الملل تغییر داد.

دلایل استعفای لاریجانی

دولت احمدی‌نژاد از سال ۱۳۸۴ که روی کار آمد، با تغییر سیاست‌ها و استراتژی‌های خرد و کلان کشور گام به عرصه تازه‌ای گذاشت که از آن به نام "انقلاب در ساختارها" نام می‌برند.

ذکر این مثال برای بیان تحولات سیاسی کشور به ویژه پرونده هسته‌ای ایران شاید تا حدی به روشنی مسأله کمک کند. علی لاریجانی، دیپلمات ارشد هسته‌ای ایران که در دولت نهم هدایت پرونده هسته‌ای را از حسن روحانی تحویل گرفت، در طول این مدت با فراز و فرودهای زیادی مواجه شد تا همچنان گره این پرونده در دولت احمدی‌نژاد نیز باز نشده باقی بماند. دبیر شورای امنیت ملی که پس از تحویل گرفتن ساختمان شورای امنیت ملی می‌کوشید با استعمال واژه‌های تازه، خود را در صدر تیتروهای مطبوعات بنشانند، قبل از فعالیت خود در شورای عالی امنیت ملی که البته قدری آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسید، تیم هسته‌ای را به مامشات در پیگیری امور متهم کرد و گفت که "اینها در غلطان داده‌اند و آبنبات تحویل گرفته‌اند".

اکنون پس از گذشت حدود دو سال از آن روز، هنوز خبری از مروراید نیست و تنها کسی که می‌داند صحنه شعار با عمل تفاوتی از زمین تا آسمان دارد،

کسانی که به امور سیاسی علاقه دارند، شاید کتاب معروف "مزرعه حیوانات" نوشته "جورج اورول" را خوانده‌اند که در آن به وضوح و روشنی مرز آرمان‌ها و واقعیات شکافته و مشخص شده و به زبان ساده فرایند عمل با حقایق و واقعیات‌های جامعه تبیین و آشکار می‌شود.

در این کتاب از همان ابتدا آرمان‌ها و شعارهای مطرح شده توسط قهرمانان داستان که البته از زبان حیوانات نقل می‌شود، حاکی از نوع نگرش و نگاه آنها به تحولات جامعه است و اینکه می‌خواهند با تغییر آن، فضای تازه را حاکم کنند که در آن دیگر از زور و تک محوری اثری نباشد، اما به محض اینکه خود در مصدر امور قرار می‌گیرند، به تدریج درمی‌یابند که همه آرمان‌ها و شعارهایی که یک روز برای آن خود را به آب و آتش می‌زدند، در این شرایط قابلیت اجرا ندارد، بنابراین در تقابل آرمان با حقیقت، بدون شک اولی خود را کنار خواهد کشید تا واقعیت بر همه امور حاکم شود.

رییس جمهوری از همان ابتدا ضمن مخالفت با مدیریت‌های ۱۶ سال گذشته، یکی از دلایل اصلی بروز مشکلات جامعه را مربوط به تصمیمات اخذ شده در خلال این سال‌ها دانست و افزود که با تحول اساسی در ساختار کنونی کشور، باید به اندیشه‌ها و آرمان‌های دوران انقلاب بازگشت و ضمن احیای آنها، جلوی رشد فساد و تبعیض بیش از حد را گرفت. از این رو با معرفی وزیرانی متفاوت با گذشته گام‌های استوار خود برای تغییر سیاست داخلی را در پیش گرفت که هم اینک پیامدها و آثار این تصمیمات در بدنه مدیریتی کشور به وضوح قابل مشاهده است. وی با حرکت در مسیر تغییرات پی در پی و ساختاری می‌کوشد عرصه مدیریت و حاکمیت را یکدست و یکپارچه کند تا کلیه تصمیمات گرفته شده از یک کانال مشخص شده به اجرا درآید. اما در طول دو سال گذشته به نظر می‌رسد مدیریت سیاست خارجی چندان باب میل او نبوده و هر از گاهی نارضایتی خویش را از مسوولان دیپلماسی کشور به زبان می‌آورد. اکنون که مدت چندی به انتخابات مجلس هشتم باقی نمانده و عرصه تغییرات سیاست داخلی تا حد زیادی مشخص و اجرا شده، روی به سیاست خارجی آورده و قصد دارد تفکرات و ایدئولوژی‌های آرمان‌گرایانه خود را نیز در این عرصه به بوته آزمایش بگذارد.

اختلاف او و لاریجانی نیز مدت‌هاست که بر پرونده هسته‌ای کشور تاثیر گذاشته و حالا که دیگر لاریجانی اعمال سیاست‌های دولت را به مصلحت نمی‌داند، زمان برای خروج مرد شماره یک هسته‌ای

از پرونده فرا رسیده، زیرا سیاست‌های دیپلمات ارشد هسته‌ای و قبول برخی واقعیات توسط او، همچنان مورد مخالفت احمدی‌نژاد قرار می‌گیرد و ظاهراً چاره‌ای جز استعفا باقی نمانده است.

لاریجانی معتقد بود مذاکرات باید از طریق دیپلماسی پیگیری شود، اما موضع‌گیری‌های متفاوت احمدی‌نژاد باعث شد شرایط پیچیده‌ای به وجود آید. واکنش‌های تند فرانسه و آمریکا و اظهار نظر برخی کشورهای اروپایی در مدت اخیر علیه ایران موجب شد تا لاریجانی خطمشی دولت را مغایر با روند سیاسی پرونده ارزیابی کند و از آنجا که خود هدایت امور را عهده‌دار بود، دخالت دیگران را باعث خدشه وارد شدن به اصل مذاکرات می‌دانست و برای جلوگیری از شائبه بروز مواضع دوگانه هسته‌ای به استعفا روی آورد تا بدین ترتیب

اما نکته ظریفی که در این استعفا وجود دارد، فرایند عمل با واقعیت‌های جامعه بین‌الملل است. پس از انقلاب تاکنون همواره افراد و اشخاص زیادی در سمت‌های مختلف مسوولیت پذیرفته‌اند که البته با تحصیلات و سلاقی فکری آنها تطابق چندانی نداشت، از این رو هنگام قبول مسوولیت‌های تحویل داده شده به دلیل تجربه کم با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شدند، اما پس از چند سال به دلیل قبول واقعیات بین‌الملل ناگزیر به فراموشی پاره‌ای از آرمان‌ها می‌شدند، یعنی درست، کاری که در حال حاضر لاریجانی با شجاعت ریسک آن را پذیرفت و به دلیل تجربه‌اندوزی در طول سال‌های گذشته از این سمت کناره‌گیری کرد تا عواقب احتمالی آن دامن او را فرا نگیرد. اندیشمندان و سیاستمداران زیرک به خوبی



• پس از اعمال تغییرات
• گسترده در
• سیاست‌های داخلی
• کشور، اینک رییس
• جمهوری قصد دارد
• تغییرات اساسی در
• سیاست‌های خارجی
• به وجود آورد و رفتن
• لاریجانی آغازی بر
• سیاست‌های جدید
• دولت است

محترمانه اعتراض خود را نسبت به دولت بیان کرده باشد.

البته استعفای وی را به سفر پوتین به ایران نیز نباید بی‌ارتباط دانست، زیرا به گفته لاریجانی پوتین حامل پیامی هسته‌ای به تهران بود، در حالی که احمدی‌نژاد در موضعی متفاوت گفته‌ی او را تکذیب کرد و گفت این مساله واقعیت ندارد. باید اذعان کرد پوتین پیش از سفر به تهران با سارکوزی رییس جمهوری فرانسه و مرکل صدر اعظم آلمان دیدار و گفت‌وگو کرده بود، بنابراین اگر به مواضع کشورهای اروپایی در مدت اخیر علیه ایران دقت کنیم، متوجه خواهیم شد دلیل سفر پوتین به تهران افزایش موج فشار آمریکا بر ایران بوده و او حامل نظرات غرب برای ایران بوده است.

می‌دانند در دنیای پرتلاطم امروز برای ادامه بقاء چاره‌ای جز درایت و به خرج دادن ذکاوت وجود ندارد، از این رو با اصلاح اندیشه‌ها و تفکرات خود در جهت حفظ ثبات و در نظر گرفتن ضرورت‌ها در موضع‌گیری حرکت خواهند کرد.

متأسفانه دیپلماسی ما از مجموعه افراد فاقد تجربه لازم نسبت به عرصه جهانی انتخاب شدند. شاید در حال حاضر بر این محور باشد که سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط با دیپلماسی کشور حتی تا سطوح کارشناسی نیاز به تصفیه دارد و باید یکسری نیروهای انقلابی هدایت تیم هسته‌ای را بر عهده گیرند. کسانی که شاید از بدیهی‌ترین لوازم یک مذاکره دیپلماتیک از جمله تسلط به زبان و ادبیات دیپلماتیک بهره‌ای نبرده‌اند. در هر حال به

نظر می‌رسد لاریجانی هنگامی که با واقعیات مواجه شد دریافت که مسیر تیم قبلی و سیاست‌های پیشین درست‌تر بوده، از این رو کوشید به هر نحوی که شده هدایت تیم را به مسیر قبلی بازگرداند، اما با مخالفت‌های جدی‌ای که روبه‌رو شد، دیگر ادامه فعالیت برایش قابل پذیرش نبود و بین بودن و نبودن راه دوم را انتخاب کرد.

با رفتن لاریجانی، سعید جلیلی معاون وزارت خارجه، هدایت تیم هسته‌ای را عهده‌دار شد تا فارغ از هیاهو و جنجال‌های سیاسی هدایت پرونده هسته‌ای را طبق سلیقه و نگرش رییس جمهوری بر عهده گیرد.

پیامدهای استعفای لاریجانی

با کناره‌گیری لاریجانی، دیپلمات ارشد

عالی‌امینت ملی در طول دو سال گذشته، توافق بین ایران و آژانس و از سرگیری مذاکرات ایران و اروپا است و حالا با رفتن او خلایی ایجاد می‌شود که سایر دیپلمات‌ها هر قدر هم که باتجربه باشند، به سختی خواهند توانست راه او را ادامه دهند.

البته هنوز کارشناسان و صاحب‌نظران به این پرسش که آیا فردی خارج از شورای عالی امنیت ملی می‌تواند یکباره به دبیری این شورا برسد، پاسخ روشنی نداده‌اند، اما با این وجود به نظر می‌رسد راه دشواری پیش روی دبیر جدید شورای امنیت ملی خواهد بود.

به گفته صاحب‌نظران با این استعفا به نظر می‌رسد دولت احمدی‌نژاد درصدد یکدست کردن سیاست خارجی دولت نهم با استفاده از عناصر طرفدار و نزدیک به دیدگاه خود است. با این توصیف باید به



انتظار نشست و دید در آینده‌ای نزدیک عرصه سیاست خارجی تا چه حد دچار تغییر و تحول می‌شود، زیرا با رفتن جلیلی به شورای امنیت ملی، زمزمه‌های تغییرات گسترده در وزارت خارجه تا حد وزیر آنگقدر قوت گرفته که حتی از جایگزینی ثمره هاشمی، مشاور احمدی‌نژاد به جای منوچهر متکی نام برده می‌شود.

در هر حال با این استعفا پیامدهای زیادی را می‌توان تصور کرد که مهمترین آن تغییر تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، تغییرات گسترده در وزارت امور خارجه، افزایش سطح اختلاف دولت با مجلس بر سر خروج عضو موثر جناح محافظه‌کار سنتی از ترکیب دولت، احتمال تند شدن مواضع هسته‌ای و صدور قطعنامه سوم شورای امنیت سازمان ملل علیه

هسته‌ای که متعلق به پایگاه محافظه‌کاران سنتی است، به نظر می‌رسد دوران طلایی محافظه‌کاران که با پیوند احمدی‌نژاد و باهنر در دولت و مجلس آغاز شد، رو به افول است. هر چند اشخاص و تیم مذاکره‌کننده نقش موثری در پرونده هسته‌ای کشور دارند، با این حال شایسته است وزن این افراد را نیز به درستی بررسی و مورد سنجش قرار داد.

اگر به طور مثال در همین پرونده هسته‌ای ما بهترین و کارآمدترین استراتژی‌ها و تصمیمات را داشته باشیم، اما از افراد آگاه، هوشمند و حرفه‌ای برخوردار نباشیم، شانس برای موفقیت نخواهیم داشت، بنابراین باید از افرادی در عرصه دیپلماسی بهره گرفت که با آداب و فنون آن به درستی آگاهی داشته باشند. مهمترین موفقیت لاریجانی در شورای

- تغییر تیم
- مذاکره‌کننده
- هسته‌ای، افزایش
- دامنه اختلاف دولت و
- مجلس و احتمال
- صدور قطعنامه سوم
- علیه ایران از
- پیامدهای احتمالی
- استعفای لاریجانی
- است

ایران و سرانجام ابهام در دادن رای اعتماد مجلس به وزیران پیشنهادی رییس جمهوری در وزارتخانه‌های صنایع و معادن و نفت است. شاید مهمترین آثار و پیامد خروج لاریجانی تضعیف پایگاه محافظه‌کاران سنتی در دولت و از دست دادن حمایت‌های لیدرهای این جریان در مجلس مانند محمدرضا باهنر باشد، زیرا احمدی‌نژاد تا حد زیادی رای اعتماد مجلس به کابینه‌اش را مدیون ارتباط با باهنر و حمایت سیاست‌های او در مجلس می‌داند و حالا که مهمترین پست این جریان با خروج لاریجانی خالی شد، بعید به نظر می‌رسد مانند گذشته محافظه‌کاران مجلس حامی بی‌چون و چرای سیاست‌های دولت باشند، به ویژه آن که انتخابات مجلس به زودی برگزار می‌شود و احتمال دارد به دلیل این استعفای ناگهانی، تغییراتی در نوع چینش فهرست‌های انتخاباتی اصول‌گرایان به وجود آید که شانس طرفداران دولت را برای حضور در مجلس هشتم کم‌رنگ کند.

با این همه احمدی‌نژاد همچنان قاطعانه سرگرم چیدن مهره‌های خود در پست‌های سیاسی داخلی و خارجی است تا از این پس در عرصه سیاست خارجی نیز چهره‌های طرفدار خود را بر مسند قدرت بنشانند. اگرچه سیاست‌های هسته‌ای کلان کشور با رفتن و آمدن اشخاص تغییر خاصی نخواهد کرد، با این وجود منقبض شدن موضع‌گیری‌های هسته‌ای از این پس و احتمال افزایش اختلاف با اروپا و آمریکا بر سر پرونده هسته‌ای ممکن است پیامدهای غیر قابل پیش‌بینی‌ای داشته باشد.

دولت با تغییر مدیریت در سیاست خارجی قصد دارد ضمن یکپارچه کردن مدیریت در عرصه اجرا، آخرین سنگر محافظه کاران سنتی را از آنها بگیرد

لاریجانی در شورای عالی امنیت ملی، وی در صدر اخبار رسانه‌های گروهی نشست و میزان محبوبیتش از احمدی‌نژاد بیشتر شد و درست از این رو است که مشاوران رییس جمهوری با هشدار به وی، او را از وضعیت رخ داده آگاه می‌کردند.

باهنر که حامی اصلی لاریجانی است، در واکنش به این کناره‌گیری گفت: نوع برخوردها و اختلاف نظرها در حوزه کارشناسی بود و طوری به بن بست رسیده بود که امکان وساطت و پادرمیانی فراهم نبود، زیرا نمی‌شود با زور و دستور، بهره‌وری را افزایش داد!

در همین حال سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در واکنش به این استعفا گفت: موضوع هسته‌ای یک

در پرونده هسته‌ای کلیه آثار و پیامدها و تبعات احتمالی آن دامن دولت را می‌گیرد و فقط دولت موظف است پاسخگوی ملت باشد. با این حال به نظر می‌رسد در آستانه انتخابات حساس مجلس هشتم، دولت با تغییر مدیریت در سیاست خارجی قصد دارد ضمن یکپارچه کردن مدیریت در عرصه اجرا، آخرین سنگر محافظه کاران سنتی را از آنها بگیرد تا در نهایت از دعوا و جدال سنتی و همیشگی اصلاح طلبان و اصول گرایان، جریان سوم و طرفداران سیاست تهاجمی بهترین سود و فایده را ببرند.

احمدی‌نژاد که از ابتدا با محافظه کاران اختلاف دیرینی داشت و از روی مصلحت و اجبار، برخی وزارتخانه‌ها و پست‌های کلیدی را به آنها واگذار کرد،



کناره‌گیری لاریجانی فقط به این پیامدها منجر نخواهد شد، بلکه ممکن است دامنه آن شامل تمامی مقامات و مسوولانی شود که با سیاست‌های تهاجمی دولت موافق نیستند. همان طور که مشخص است، سیاست لاریجانی مصلحت‌گرایانه و محافظه کارانه است و در مواقع حساس و دشوار بنا بر مقتضیات روز امکان تغییر جهت داشت، اما سیاست دولت همچنان تهاجمی و پیشروانه است و ممکن است هر کسی را که با این ایده مقابله می‌کند، مجبور به کناره‌گیری نماید. حذف لاریجانی نشانه آشکاری از ایجاد تغییرات جدید در سیاست خارجی و تضعیف جایگاه محافظه کاران در دولت نهم است.

اعتراض مجلس به انتصاب جلیلی

با استعفای لاریجانی و آمدن جلیلی به شورای عالی امنیت ملی، موج گسترده‌ای از مخالفت‌های نمایندگان به انتصاب جدید مجلس را فرا گرفت. گروهی از اعضای کمیسیون امنیت ملی با تشکیل جلسه فوق‌العاده‌ای ضمن بررسی استعفای لاریجانی به نحوه انتصاب جایگزین او اعتراض کردند. به گفته این نمایندگان، سعید جلیلی طبق قانون اساسی به دلیل عضو نبودن در شورای عالی امنیت ملی نمی‌تواند دبیری آن را بر عهده گیرد.

هر چند برخی از اعضای این کمیسیون ابراز نگرانی از برداشت منفی اروپاییان از این استعفا را دلیل تشکیل این جلسه بیان کردند، با این حال تحلیل مسایل پشت پرده و اختلاف نظر احمدی‌نژاد و لاریجانی از محورهای مورد بررسی اعضا در این نشست فوق‌العاده بود. این افراد می‌گویند دلیل افزایش اختلافات این دو نفر به رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری بازمی‌گردد و اینکه بعد از حضور

اکنون تغییر جهت داده و با پشت کردن به آنها سرگرم چیدن مهره‌های خویش در مصادر حساس کشور است تا هم پاسخ منتقدان دیروزش را بدهد و هم با آوردن مهره‌های تهاجمی، امکان اجرای سیاست‌های هسته‌ای پیشین را سد کند.

... و اکنون که نومحافظه کاران در صحنه سیاست ایران همچنان قاطعانه پیگیر اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های خود هستند و ظاهراً به مرز آرمان‌ها و واقعیت‌های جامعه توجهی نمی‌کنند، باید به انتظار نشست و دید آیا موفق به انجام سیاست‌های از پیش تعیین شده می‌شوند، یا مانند گذشتگان و به جبر تاریخ مجبور به قبول فرایند عمل با واقعیت‌ها می‌شوند تا در نهایت به تصفیه اندیشه‌های خود مشغول شوند؟ آیا شما کتاب "مزرعه حیوانات" نوشته جورج اورول را خوانده‌اید؟!

پرونده ملی است و مسوولان و مردم نسبت به آن حساسیت دارند. وی با بیان اینکه اروپا از این استعفا سوء برداشت نکند، افزود: ما با منطق و تدبیر از منافع ملی کشور دفاع خواهیم کرد.

جمع بندی و نتیجه گیری

آنچه که مشخص است این است که هر دولت با هر نوع تفکر در عرصه سیاست داخلی و خارجی پیگیر اعمال و اجرای تصمیمات خود است. در دوره‌ای خاص اصلاح طلبان با اعمال سیاست‌های مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای را به پیش می‌بردند و حالا اصول گرایان با سیاست‌های تهاجمی پرونده را به جلو می‌برند، اما در هر حال باید از تجهیزات حاصل شده به نوعی هم استقبال کرد، زیرا از این پس با یکپارچگی مدیریت سیاست داخلی و خارجی به ویژه